



خطوط کلی بهداشت در اسلام

پدیدآورنده (ها): آیت اللهی، سید محمد تقی

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: بهار ۱۳۷۰ - شماره ۳۰ (ISC)

صفحات: از ۱۳۲ تا ۱۵۰

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58807>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸

کاربر گرامی، فایل دانلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



عناوین مشابه

- نظام بهداشت و سلامت در اسلام
- بهداشت اجتماعی در اسلام (۲۶): حرارت آتش
- بهداشت اجتماعی در اسلام (۲۹)
- بهداشت و سلامت روانی در ایام کرونا و مؤلفه‌های ارتقای آن از منظر اسلام
- بهداشت اجتماعی در اسلام: مجرمات (بخش ششم)
- بهداشت در اسلام
- بهداشت دهان و دندان در اسلام: موجبات مرض پیوره
- بخش هفتم: جذام (بهداشت اجتماعی در اسلام)
- بهداشت اجتماعی در اسلام
- تدوین سیاست های کلی نظام سلامت در برنامه درسی بهداشت و توسعه سلامت

خطوط کلی بهداشت در اسلام*

خلاصه

اسلام به منزله یک نظام کامل بهزیستی به مسأله بهداشت، بویژه بُعد معنوی و روحانی آن عنایت خاص دارد. مقاله حاضر به معرفی دیدگاههای کلی اسلام پیرامون این مسأله می پردازد، و مقدمه ای برای شناخت تحلیلی آن و تأثیری که این امر در ارتقای سلامت جامعه اسلامی دارد را فراهم می کند. بهداشت اسلامی از ویژگیهای سادگی، آینده نگری، تعمق، اعتدال، استفاده از سرمایه های انسانی و سازگاری با فطرت و طبیعت برخوردار بوده و ضمانت اجرایی دارد و با اخلاق پیوند یافته است. اسلام در مسأله بهداشت خود از روش مستقّلی پیروی می کند. در این مقاله نقش موازین فقهی و کاربرد آنها در ارتقای نظام پزشکی و بهداشتی جوامع اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف و هدف بهداشت اسلامی

بهداشت در مفهوم علمی خود معنایی جامعتر و وسیعتر از نبود بیماری جسمی دارد. سازمان بهداشت جهانی در تعریف سلامت می گوید: «سلامت عبارت از آسایش (صحت) کامل جسمی، روانی و اجتماعی است و نه صرفاً نبودن بیماری و ناتوانی». به این ترتیب، شخص سالم به کسی اطلاق می شود که نه تنها از نظر جسمی سالم باشد بلکه از سلامت روح نیز برخوردار بوده و

از نظر اجتماعی هم در آسایش بسربرد. پژوهشهای علمی نشان می دهد که ممکن است ریشه و علت بسیاری از ناتوانیهای جسمی، نابسامانیهای فکری و عاطفی باشد. به عبارت دیگر تندرستی یا سلامت سه بُعد دارد: ۱- جسمی ۲- روانی ۳- اجتماعی؛ این سه بُعد در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. تغییراتی که در طی سالها در شرایط و دیدگاههای فردی و اجتماعی و امور پزشکی روی داده ناچار منتهی به ارزیابی دوباره معنی و مقصود سلامت شده است. تا کنون اکثر مردم سلامت را به عنوان هدف نهایی دنبال کرده اند. اکنون به طور فزاینده ای به سلامت تنها هنگامی ارزش داده می شود که کارایی را افزایش داده و تجربه زندگی را به سوی کمال، میسر سازد. از این گذشته آنچه که دارای معنی است کیفیت زندگی است نه کمیت آن. سلامت به خودی خود ثمری نداشته، ارزش حقیقی آن در فعالیت‌های با ارزشی نهفته است که به وسیله وجود آن میسر می شود. از سویی هرگز نباید در دام این توهم افتاد که سلامت کامل و پاینده قابل دستیابی است.^۲

در سالهای اخیر این نکته مورد توجه قرار گرفته است که تعریف فوق دارای نقیصه ای جدی بوده و از یکی از ابعاد بسیار مهم و اساسی بهداشت غفلت شده است. هوارد هوی من (Howard) (Hoyman) مؤکداً این نکته را بیان می دارد که «غفلت از طبیعت روانی معنوی انسان در بسط الگوی بهداشتی، بحث از کاریکاتور انسان است یا انسان جدیدی که دیگر از خصایص انسانی محروم شده است»^۳.

عصاره واقعی بهداشت در یک یا ترکیبی از عوامل زیر یافت می شود: ۱- احساس ذهنی رفاه (آسایش) ۲- توان پذیرش شرایط متغیر و پردغدغه، ۳- توان تحقق و یا بهره برداری کامل از نیروی بالقوه آدمی. بعد معنوی و روحانیت بهداشت، که ظاهراً در تعریف سازمان بهداشت جهانی، نادیده گرفته شده، حداقل تأثیرات معنی داری بر هر یک از این معیارها دارد و به اعتقاد فرد به وجود نیروهای معنوی و طبیعت خاص و روش عملکرد این نیروها وابسته می باشد و بر هر سه بُعد تعریف سازمان بهداشت جهانی حاکمیت دارد.^۴

توجه عمده اسلام به تن درمانی و ابعاد غیر روحانی بهداشت نیست، زیرا رسالت پیامبران این نبوده که بیماران را درمان جسمی کنند، بلکه بیشتر درمان معنویت آنها در نظر بوده است و اگر درجایی هم به تن درمانی توجه شده هدف غایی ملاک بوده است. بنابراین، در تعالیم اسلامی اگر چه به عنوان یک الگوی بهزیستی کامل بر ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی بهداشت تأکید فراوان شده لکن بُعد معنوی و روحانی آن که بر ابعاد دیگر حاکمیت دارد، از توجه جدی تر و اصولی تری برخوردار شده است. از نظر اسلام، انسانی سالم تلقی می شود که در همه ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در آسایش و رفاه باشد و بتواند به یک زندگی معنی دار دست یابد. چنین زندگی

با ایجاد هماهنگی بین چهارجنبه اساسی و رابطه انسانی، یعنی: ۱- رابطه انسان با خدا ۲- رابطه انسان با خویشان ۳- رابطه انسان با مردم و اجتماع و ۴- رابطه انسان با طبیعت قابل دسترسی است؛ مقصود از این هماهنگی تعادل جامع روحانی و فراگیر در همه ابعاد و روابط می باشد. وقتی که انسان در همه روابطش به آرامش هماهنگی نایل شد به صلح و صفا دست می یابد و این صلح و صفا همان اسلام است. اسلام به معنی صلح و هم به معنی تسلیم است. تسلیم به اراده الهی؛ تسلیم به اراده خداوندی مستلزم تسلیم در نگرش، بینش، کنش و سرانجام تنظیم راه زندگی است.^۶

بنابراین، بهداشت اسلامی هدف دار بوده و مهمتر آن که دارای هدفی نامتناهی است و آن حرکت و وصول به سوی کمال مطلق می باشد. با این بینش هر عملی که به نیت ادای وظایف الهی و خدمت به جامعه و رفع مشکلی از مشکلات آنها انجام گیرد، عین عبادت است. مؤمن از خدا بدن سالم و نیرومند مسألت می کند تا در انجام وظایفش موفقتر باشد «قَوْلِ عَلِيٍّ خِدْمَتِي كَجَوَارِحِي»^۷

رابطه بهداشت و انقلاب اسلامی

ظهور پیامبر اسلام (ص) و انقلاب اسلامی آن حضرت تنها به جنبه های اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی محدود نمی شد؛ بلکه انقلاب تمام عیاری بود که جنبه های بهداشتی را نیز در برمی گرفت. محققان و نویسندگان کمتر به این مهم توجه کرده اند، و حال آن که برترین دست پرورده مکتب اسلام حضرت امام امیرالمؤمنین علی (ع) به نیکویی از این جنبه اساسی انقلاب اسلامی پرده برمی دارند و تصویر جامعه جاهلی عرب که در محیط آلوده و بیماری و تغذیه ناسالم و روابط فاسد اجتماعی و فرهنگی و روانی و فقر معنویت و روحانیت بودند و موازین بهداشتی را رعایت نکرده و اصولاً فاقد بینش صحیح بهداشتی بوده به گونه ای که از درک ناپاکیها و مضرات آنها نیز عاجز مانده بودند را ترسیم می فرماید «وَأَنْتُمْ مَعْشَرُ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حَجَارَةٍ خُشْنٍ وَ حَيَاتٍ صُمٍّ، تَشْرَبُونَ الْكَدِيرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِيبَ، وَ تَسْفِكُونَ دِمَائِكُمْ»^۸.

تحول عظیمی که پیامبر اکرم (ص) در نگرش جامعه عرب ایجاد فرمود و به نواحی دیگر آن روز جهان بسط یافت؛ بی تردید انقلاب بزرگی بود و توانست به عنوان بخشی از رسالت خویش، دیدگاه جامعه خود را در جهت حفظ سلامت و ارتقای بهداشت آنان تغییر دهد.

قرآن کریم یکی از اهداف رسالت انبیا (ع) را تغییر و اصلاح نگرش بهداشتی جامعه می داند؛ پیامبران با ظهور خود به مردم درک بهداشتی می دهند. ناپاکیها را برآنان ناروا شمرده و پاکیزگیها

را برایشان جایز می‌شمرند «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي انْتُزِيرَةٍ وَالْآنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»^{۱۰}.

کلمه «طَيِّبَاتِ» در ۱۳ سوره قرآن و در ۲۰ آیه گوناگون به کار رفته است و این تکرار و تأکید، اهمیت پاکیزگیها را در اسلام بوضوح می‌رساند. عبادات جز با پاکی امکان‌پذیر نیست و پاکی ظاهری مقدمه‌ای بر پاکسازی درون انسان است. خدا و رسولش مسلمانانی را دوست دارند که از ظاهری آراسته و باطنی وارسته برخوردار باشند، و آلودگیهای ظاهری و جسمی را با تطهیر و پاکیزگی و پلیدیهای روحی و باطنی را با توبه و بازگشت به ارزشهای الهی از خود دور سازند «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَظْهَرْنَ فَأَنْوَهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^{۱۱}.

اتفاقی نیست که باب اول رسائل فقهیه با کتاب طهارت آغاز می‌شود و نماز که از آن به ستون دین تعبیر می‌شود «الصلوة عمودالدين» جز با پاکی پذیرفته نیست. در احادیث اسلامی پاکیزگی با ایمان پیوند ناگسستنی دارد و تعبیری بسیار لطیف و زیبا و عمیق از رهبران دین رسیده که شوق سلامت طلبی و پاکیزگی را در پیروان اسلام ترغیب می‌کند، از جمله^{۱۲}:

- «إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقٌ لِلْقُرْآنِ فَطَيِّبُوهَا بِالسَّوَاكِ».
 - «إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظَّفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ».
 - «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يُحِبُّ النُّظَافَةَ، كَرِيمٌ يُحِبُّ الْكَرَّمَ، جَوَادٌ يُحِبُّ الْجُودَ فَتَنْظَّفُوا أَفْوَاهَكُمْ وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ».
 - «تَنْظَّفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَلَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلٌّ نَظِيفٌ».

- «حَقَّ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ».

- «لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لِأَمْرِهِمْ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ».

- «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ».

- «يَا عَلِيُّ عَلَيْنِكَ بِالسَّوَاكِ، فَإِنَّ السَّوَاكِ مُطَهَّرَةٌ لِلنَّمِمْ وَمَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَمَجْلَاةٌ لِلْعَيْنِ؛ وَالْخِلَافُ يُحِبُّبُكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى بِرِيحِ قَمِيٍّ مَنْ لَا يَتَحَلَّلُ بَعْدَ الطَّعَامِ».

- «مَارُوي عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عَلَيْهِمَا السَّلَام) مِنَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ: وَقَالَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعِطْرُ وَخِفَاءُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الظَّرِوَقَةِ».

تحریم خبائث و مباح بودن طیبیات و ضرورت اجتناب از پرخوری اساسی ترین پایه‌های تأمین

بهداشت فردی است. آنچه که در مورد اجتناب از نجاسات و مدفوع، شستشوی دستها قبل از غذا و بعد از آن، بهداشت دهان و دندان، کوتاه کردن مو و شانه کردن موی سر، کوتاه کردن ناخن، پاکیزه نگاه داشتن و نظافت لباس «وَتِيَابِكُمْ فَطَهِّرُوا»^{۱۳} و صدها مطلب مشابه که در آیات و احادیث آمده کاملاً با ضرورت‌های بهداشتی و حفظ سلامت فردی و حتی اجتماعی هماهنگی دارد. اگر براین مجموعه آداب تغذیه اسلامی^{۱۴} را بیفزائیم و مسأله مسؤولیت فردی را در قبال اجتماع و لزوم تأمین سلامت آدمی و اجتناب از در معرض خطر دادن جان خود بخوبی عمق عنایت اسلام به بهداشت فردی را متوجه خواهیم شد.

پیامبر گرامی (ص) عالیترین الگوی انسان سالم و بهداشتی بود و بر پاکیزگی و آراستگی فردی اهمیت زیادی می‌داد و جنبه‌های گوناگون سلامت را بدقت مدنظر داشت و پیروان خود را به آن تعلیم می‌فرموده^{۱۵}.

از سوی دیگر بهداشت در فرهنگ اسلامی به عنوان ارزشی والا مطرح شده است. رضایت الهی با سلامت رابطه‌ای مستقیم دارد^{۱۶}. زندگی جز با سلامت و تندرستی خیری ندارد «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافِي فِي بَدَنِهِ آمِنًا فِي سِرِّهِ عَشَدُّ قُوْتُ يَوْمُهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا»^{۱۷}. و تندرستی بهترین نعمتها شمرده شده است «الصِّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ»^{۱۸}. بهداشت به صورت آرمانی و ارزشی متعالی در متون ادعیه اسلامی به کرات آمده است و در این تعالیم سازنده، مسلمان مؤمن پیوسته سلامت را از درگاه خداوند طلب می‌کند و شفای عاجل را از بیمارها از ذات باری تعالی مسألت دارد^{۱۹}. تکرار فراوان و تلقین بسیار این ادعیه نه تنها انسان را از استفاده از ابزار و اسباب مادی وصول به زندگی بهداشتی دور نمی‌کند بلکه پیوسته آرمان بهداشت طلبی را در او جاویدان ساخته و جامه‌ای از قداست را بر آن می‌پوشاند. مروری بر دعاها نشان می‌دهد که بهداشت در مفهوم جامع آن در فرهنگ اسلامی مطرح بوده و تنها به جنبه جسمی محدود نمی‌شود بلکه جنبه‌های روانی، اجتماعی و بویژه معنوی آن را در بر می‌گیرد و این همه عطش انسان دردمند را پاسخگو است^{۲۰}.

در اسلام علاوه بر این که قوانینی در زمینه بهداشت جسمی و روانی انسان موجود است و وجوب بسیاری از واجبات از قبیل روزه و حج در صورتی است که به سلامت انسان لطمه‌ای وارد نکند، قوانین و مقررات مخصوصی درباره ارزش و احترام شخصیت انسان و حفظ حیات وی مقرر شده است. در نظر اسلام، انسان آن قدر ارزش و احترام دارد که کشتن او معادل کشتن همه افراد بشر است و در مقابل آن احیای یک انسان و نجات وی از سقوط و مرگ، مثل احیای همه انسانهای روی زمین است «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^{۲۱}.

اسلام می گوید: در موردی که جان انسان در معرض خطر قرار می گیرد، ارتکاب هر حرامی از قبیل نوشیدن شراب و خوردن میت و مال غیر- که منحصرأً حفاظت و سلامت وی را تأمین می کند- نه تنها جایز بلکه واجب و لازم است، (ولی بهای مال غیر را پس از رفع خطر و تمکن باید بپردازد) حتی در صورتی که چاره ای جز خوردن مقداری از گوشت بدن خود نداشته باشد لازم است مقداری از آن را بخورد و حیات خود را حتی الامکان حفظ کند و مرگ خود را ولو چند ثانیه هم که باشد به تأخیر بیندازد، شاید در همین چند ثانیه عامل دیگری برای حفظ حیات وی پیدا شود.^{۲۲}

شیوه اصولی اسلام در رابطه با بهداشت

دستورات و تعالیم بهداشتی اسلام پیشگیری را بردرمان مقدم می شمارد. به طور کلی روش اسلام در رویارویی با مسائل شیوه ای است رفعی نه دفعی. در شیوه رفعی منتظر وقوع حادثه نمی مانند تا آن را برطرف کنند بلکه سعی می شود تا با ریشه یابی دقیق مسائل و مشکلات از وقوع مشکل جلوگیری کنند نه آن که منتظر باشند جریان روی دهد و آن را دفع کنند. به عبارت دیگر، شیوه رفعی با موضوعات به گونه ای فعال برخورد می کند نه منفعل و واکنشی. مخارج پیش بینی نشده برای یک عمل جراحی را می توان برای بهزیستی جسم صرف کرد و در بسیاری از موارد با پیشگیری جلو بیماریها را گرفت و سالم ماند. در مورد بیماری تنها خسارات مادی ناشی از بستری شدن بیمار و هزینه های دارویی و درمان و از دست رفتن وقت یک نیروی مؤثر کار در جامعه مطرح نیست. زیانهای دیررس و آثار جسمی و روانی استفاده از داروها که امروزه تحت عنوان «عوارض جانبی داروها» در مباحث پزشکی جایگاه ویژه ای یافته را باید بر آن افزود، همان نکته مهمی که پیشوایان معصوم بدان توجه داشته و اشارت فرموده اند: حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «لیس من دواء الآ و یهیج داء» هیچ دارویی نیست مگر این که عوارض جانبی دارد. و روایتی از امام علی علیه السلام است که فرمود: «شرب الدواء للجسد كالصابون للثوب یتقیه ولكن یخلفه» مصرف دارو برای بدن مثل بکار بردن صابون برای لباس است که اگر چه لباس را پاکیزه می سازد اما آن را فرسوده می کند.^{۲۳}

مهمتر از این خسارات، خسارات معنوی و مادی ناشی از وابستگی جامعه اسلامی به کشورهای بیگانه و غیر مسلمان است، چون اغلب داروها و روشهای درمان از این قبیل کشورها به عاریت گرفته می شود؛ تعبیر رسای «درهم وقایه خیر من قنطار علاج» - ذره ای پیشگیری از خوارها درمان بهتر است؛ حقیقت انکارناپذیری را بیان می دارد.^{۲۴} در پیام امامان معصوم این نکته هدایتگر وجود دارد که آدمی برای عمری طولانی آفریده شده ولی خود عمر خویش را کوتاه می کند. اگر

انسان برطبق قوانین اسلام عمل کند و از منہیات پرهیزد و در خوردن و آشامیدن برطبق دستور قرآن اسراف نکند، از عمر طولانی بهره مند خواهد شد^{۲۵}.

از بررسی احادیث بهداشتی می توان نتیجه گیری کرد که آنچه در مسیر بهداشت و پیشگیری به کار می رود جنبه اسراف ندارد، زیرا اسراف با اتلاف قرینه است و بهداشت و پیشگیری برعکس، از اتلاف جان و مال جلوگیری می کند^{۲۶}.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد اصولی از بهداشت، تغذیه و بیمه سخن گفته است^{۲۷}. بررسی این اصول دونگه اساسی را روشن می کند: نخست آن که در قانون اساسی همه جا بهداشت بردرمان مقدم شده است. دوم آن که بهداشت با اقتصاد، سیاست، حقوق جامعه، مشارکت عمومی و... رابطه ای تنگاتنگ و همه جانبه دارد.

بعلاوه، پزشکان نامدار مسلمان با الهام از تعالیم اسلامی وظیفه اصلی پزشکی را حفظ سلامت و بهداشت انسان می دانسته اند و چنانچه پزشک درانجام این وظیفه اساسی کامیاب نشد ناچار به وظیفه فرعی خود یعنی اعاده سلامت می پردازد^{۲۸}.

منابع بهداشت اسلامی

رهنمودهای بهداشتی اسلام از منشأ وحی و منبع الهی سرچشمه می گیرد. این رهنمودهای متعالی برایگان در اختیار نسل بشر قرار گرفته است تا راه کمال را طی کند؛ حقیقت این است که احکام بهداشتی اسلام با الهام از سرچشمه وحی و علوم معصومین (ع) بر مبنای فطرت در جهت مصلحت انسان و با رعایت نیازها و خطراتی است که متوجه انسان می شود. از ویژگیهای بارز وحی، جاودانگی، کمال و قداست است. تعالیم بهداشتی اسلام از نظر ارتباطی که با منابع فیاض وحی دارند مافوق یافته های بشری است، پس اگر بر مبنای اطلاعات علمی روز نتوان فلسفه برخی احکام را درک کرد اشکال در دانش محدود ماست.

وقتی سخن از بهداشت اسلامی به میان می آید نباید تصور کرد که در منابع اسلامی مانند قرآن و نهج البلاغه بخشهای مستقلی تحت عنوان بهداشت مطرح شده و یا آن که پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) کلاسهای خاصی برای آموزش بهداشت داشته اند، زیرا قرآن کتابی نیست که برای آموزش بخشهای خاصی از علوم و معارف نازل شده باشد بلکه کتابی است که هدایت بشری را به طور کلی مدنظر قرار داده و اصول و نیازهای فطری انسان را به سبک اعجاز گونه خود بیان کرده و او را به سوی روشهای صحیح تأمین این نیازها رهنمون می سازد. نکته جالب در تعالیم بهداشتی اسلام این است که در بیشتر موارد به جزئیات و مسائلی که بشر با کمک عقل و تجربه خود قادر به

کشف آنهاست یا دستوری صادر نکرده و یا آن که رهنمودی کلی ارائه داده و کشف روابط و مجهولات را برعهده علم و عقل انسان نهاده است. اما در مواردی که مسأله ای مهم به دلیل آن که یا از تیررس عقول و تجربه ها بدور بوده و یا کسب تجربه و حل مجهول به گذشت زمانی طولانی نیاز داشته در این صورت موضوع را با صراحت بیان داشته است. دستورات بهداشتی اسلام در رساله هایی از معصومین توسط اصحاب و راویان احادیث جمع آوری شده است «اربع خصال تستغنی بها عن الطب... قال: لا تجلس علی الطعام الا و انت جائع، ولا تقم عن الطعام الا و انت تشتهی، وجو والمضغ، و اذا نمت فاعرض نفسك علی الخلاء، فاذا استعملت هذا استغنی عن الطب»^{۲۹}.

علاوه بر آن دستورات و تعالیم بهداشتی اسلام را در متن قرآن کریم، نهج البلاغه و لابلای روایات معصومین (ع) می توان یافت که بازشناسی و آموزش و اشاعه آنها می تواند تحوّل عظیمی در ارتقای سلامت جامعه، روحانیت و قداست آن، و رعایت اصول آنها همراه با مقبولیت عامه را فراهم آورد و تسهیلات اجرایی و پذیرش همگانی را برای دست اندرکاران بهداشتی جامعه ممکن سازد و مردم را به سوی «بهبستی کامل» و زندگی تمام عیار بهداشتی هدایت کند.

ذکر این نکته سودمند است که گاهی در بیانات معصومین (ع) رهنمودهایی دیده می شود که برای همگان عمومیت نداشته و یا بر مبنای شرایط خاصی ذکر شده اند^{۳۰}، لذا بر پژوهندگان در معارف اسلامی در زمینه مسائل بهداشتی درمانی منقول از معصومین (ع) توجه به آن ضروری می باشد. بعلاوه در هر مورد موثق بودن حدیث بایستی به نحو مطلوب احراز شود.

ویژگیهای بهداشت اسلامی

بهداشت اسلامی از ویژگیهای عمده ای برخوردار است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- سادگی - مخاطب پیام اسلام، انسان است و تعالیم دین برای کمال او آمده است و هر انسانی به اندازه توانایی خود، مکلف می باشد. از این جهت، دستورات بهداشتی اسلام در عین ژرف نگری، به صورتی ساده بیان شده تا به آسانی انجام پذیرد. خدای متعال نیز آسانی را برای مؤمنان اراده کرده است. بخشی از حکمت همین تعالیم ساده قرنهای پس از پیدایش اسلام روشن شده و با پیشرفت دانش بشری و آگاهیهای عمومی به مرور فلسفه آن در حدّ توان انسان آشکار می شود^{۳۱}.

۲- ضمانت اجرا - دستورات بهداشتی اسلام پشتوانه دینی و اعتقادی دارد و در قلوب مؤمنان و

معتقدان به دین از پایگاه رفیعی برخوردار می‌شود. این تعالیم حیاتبخش که در قالب احکام خمسۀ فقهی (واجب، مستحب، مکروه، مباح و حرام) بیان می‌شود، انگیزش عمل را برای مسلمانان آشنای به آنها فراهم می‌آورد و هر مسلمان متعهد خود را موظف به اجرای آن می‌داند. این تعالیم از قداست دینی برخوردار بوده و نشاط درونی را در مؤمن فراهم می‌آورد. بنابراین، با توجه به اینکه پشتوانه بهداشت اسلامی خدای عالم است و او جاودانه و همیشگی است، موجب تضمین آن در عمل می‌گردد.

۳ - اعتدال - بهداشت اسلامی مهارکننده افراطها و تفریطهاست. امام علی (ع) انسانهایی را که در حال افراط و تفریط به سر می‌برند و از دایرۀ اعتدال خارج شده‌اند ناآگاه و جاهل می‌داند. «لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا»^{۳۲}. تعالیم بهداشتی اسلام اصل اعتدال را مورد تأکید قرار داده و هرگونه زیاده‌روی از حد را ناروا می‌شمرد. چنان که در آیات مبارکه قرآن کریم می‌فرماید:

- «ثُمَّ صَدَقْنَاَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»^{۳۳}

- «... وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»^{۳۴}

- «... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^{۳۵}

- «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»^{۳۶}

- «... وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^{۳۷}

- «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ»^{۳۸}

- «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ...»^{۳۹}.

۴ - آینده‌نگری - بهداشت اسلامی از دایرۀ دید وسیعی برخوردار است که جلوتر از زمان خود را می‌بیند و پیش از ابتلای به بیماریهای ناگوار و وحشت‌زا بویژه فسادهای اجتماعی گریبانگیر بشر پیش‌بینی‌ها و پیشگیریهای معجزه‌آسا می‌کند و برخلاف دانش بشری که محدود بوده و با مرور زمان کهنه می‌شود. نمونه‌ای از آن را می‌توان در مقابله جدی اسلام با بی‌بندوباریهای جنسی و فساد اخلاقی ملاحظه کرد. این نمونه به بیماری وحشت‌زای ایدز (AIDS) مربوط می‌شود که در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) به دنبال افزایش موارد عفونتهای فرصت‌طلب و بیماریهای بدخیم در افراد همجنس‌باز در آمریکا کشف شد و به دنبال آن گزارشاتی از وقوع بیماری مذکور در هرپنج قاره جهان منتشر شد. بیماری دارای مرگ و میر بالا بوده (۹۰-۸۰ درصد در دو سال اولیۀ کشف بیماری) و اکنون به عنوان یک بیماری جهانگیر و مشکل بزرگ دنیای امروز درآمده است. راه سرایت جنسی مهمترین راه سرایت بیماری است. رعایت موازین اخلاقی و دوری از انحرافات جنسی از موازین عمده پیشگیری این بیماری خطرناک به شمار می‌آید. مبارزه با اعتیاد مخصوصاً

اعتیاد به مواد مخدر تریقی یکی دیگر از روشهای کنترل بیماری است. در قاره آمریکا بالاترین رقم بیماری گزارش شده و سپس قاره‌های اروپا، آفریقا و اقیانوسیه به ترتیب در مراتب دوم تا چهارم وجود موارد بیماری ایدز قرار می‌گیرند. بالاخره در قاره آسیا که بیشترین جمعیت مسلمانان دنیا را دارد تعداد معدودی از بیماری گزارش شده است.^{۴۰}

آمار بیانگر وجود رابطه مستقیمی بین بی‌بندوباری جنسی و موارد بیماری ایدز است و روند مذکور نشان می‌دهد که اگرچه فرهنگ بهداشتی اسلام در ممالک اسلامی به نحو شایسته و اساسی حکمفرما نیست لکن در همان حد سنتی هم موجب شده تا مسلمانان تا حدود بسیار زیادی از انحرافات جنسی دوری گزینند و همین عامل تأثیر عمیقی در مصونیت از بیماری دهشتزای ایدز را در ممالک اسلامی بجای گذاشته و حاکی از وسعت دایره دید و آینده‌نگری بهداشت اسلامی است. موارد گوناگونی از این آینده‌نگری را در تعالیم بهداشتی اسلام بروشنی می‌بینیم که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۵ - سازگاری با فطرت و طبیعت - در نظام اسلامی راز و رمزی نهفته است تا مسلمین بتوانند بر مشکلات عظیم فایز آیند. اصل و منبع همه رازها و رمزها، روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن با فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان است، فطرتی که خدا انسانها را بر مبنای آن به وجود آورده است «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^{۴۱}، بهداشت اسلامی در خدمت فطرت انسانی است. فطرت عبارت است از جریان طبیعی و قانونی نیروهایی که در انسان بوجود می‌آید. بنابراین برای هریک از نیروهای غریزی و مغزی و روانی؛ فطرتی وجود دارد که جریان طبیعی و منطقی آن نیرو می‌باشد.^{۴۲}

توصیه‌های بهداشت اسلامی حرکت در سوی موازین فطرت و احتراز از عوامل مخالف آن می‌باشد. اسلام به انسان توصیه می‌کند تا از مواهب طبیعت حداکثر بهره‌برداری مشروع را بنماید و او را به طبیعت و عوامل سالم طبیعی نزدیک می‌سازد. حرکت و گردش در کوه و صحرا و استفاده از دریا و... را توصیه می‌کند و از آنان که این همه را بر خود ناروا می‌دانند بازخواست می‌کند.

۶ - استفاده از سرمایه‌های انسانی - توصیه به حداکثر صرفه‌جویی در تمام سرمایه‌های انسانی اعم از وقت، عمر، نیرو و قوای جسمانی و روحانی از ویژگیهای بهداشت اسلامی است. به عبارت دیگر، بهداشت اسلامی با صرفه‌ترین و پرسودترین نوع بهداشت است^{۴۳}. بهداشت اسلامی می‌کوشد تا به طور کامل از اتلاف قدرت حیاتی بدن جلوگیری کند و پیروان خود را به اتخاذ شیوه‌ای که به کمال مطلوب منتهی شود ترغیب می‌کند تا لغو و بیهودگی در حداقل مراتب خود قرار گیرد و ضرر و زیان محسوس در خدمتعارف متوقف شود و از تهلک دوری گزیند «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى

التَهْلُكَةِ»^{۴۴} و زیانهای فردی و اجتماعی را ناروا می‌شمرد. اعراض و روی گردانی از لغو و بیهوده کاری را از ویژگیهای مؤمنان برمی‌شمرد «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^{۴۵} و انسان را به حفظ قدرت حیاتی خود و گذران اوقات فراغت خویش به نحو شایسته فرا می‌خواند و او را به انواع ورزشهای پسندیده جسمی و روانی و معنوی ترغیب می‌کند^{۴۶}. به موجب موازین فقهی اسلام حرمت ضرر امری محرز است و اجتناب از آن لازم^{۴۷}.

۷- پیوند بهداشت اسلامی و اخلاق - هماهنگی اخلاق و بهداشت از ویژگیهای بارز بهداشت اسلامی است که تنها به جنبه‌های فردی محدود نمی‌شود بلکه جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی نظامی را در بر می‌گیرد؛ به عنوان نمونه در دستورات اخلاقی اسلام در مورد دفاع و جهاد تأکید شده است که از آلوده کردن منابع آب دشمن احتراز شود. از امحاء جنگلها، نخلستانها و به طور کلی آبادیهای دشمن جلوگیری شود و نیز بر احتراز از آلودگی محیط و بکارگیری انواع سموم و آلودگیها در تضعیف دشمن تأکید شده است^{۴۸}.

از سوی دیگر در نظام اخلاقی اسلام نیز به مسائل مربوط به جسم در رابطه با روح و تهذیب نفس توجه شده است. رعایت تندرستی و حفظ سلامت بدن، رعایت اعتدال در استفاده از قوای تن، رعایت تعادل میان روح و تن، رعایت نشاط جسمی و پرهیز از کسالت و تن‌پروری، رعایت ترکیب و توازن بدن و تربیت جسم و آموختن فنون بدنی (تیراندازی، اسب‌دوانی، شنا و...) و آماده‌سازی بدن برای تحمل شرایط گوناگون، رعایت آراستگی، رعایت پوشش و رنگ جامه و کفش و... و در نظر داشتن وقار و اصالت، رعایت حدود خنده، گریه و اظهار شادمانی یا غمگینی، در پیشامدها و حوادث جزئی و کلی و چگونگی راه رفتن، تند رفتن، کند رفتن، دویدن،...، رعایت حد در خوردنیها و آشامیدنیها و...، رعایت حد در بکار بردن زبان، سخن گفتن در جمع و...، رعایت دقیق قوای جنسی و حدود استفاده از آن، رعایت قوای باطنی بدن و تنظیم حواس و تقویت آنها و تقویت قلب از نظر جسمی، برخی از مسائل این رشته بود که پدران و مادران از جهات گوناگون باید رعایت کنند و در مراحل انعقاد نطفه و دوران حمل و شیرخوارگی و در کودکی به طفل بیاموزند تا خود بتواند به آن روش ادامه دهد^{۴۹}.

این دستورات در عین حال که تعالیم اخلاقی اسلام را آموزش می‌دهد عنایت خاص این مکتب جامع را به رعایت موازین بهداشتی حتی در جنگ نیز بیان می‌دارد.

به طور کلی در اسلام تنها به یک جنبه خاص از بهداشت اشاره نشده بلکه تعالیم بهداشتی آن طیف وسیعی از بهداشت عمومی، بهداشت محیط، بهداشت فردی و اجتماعی، بهداشت کار بهداشت ازدواج و... را در بر می‌گیرد.

نقش موازین فقهی در بهداشت

«تفقه» یا «اجتهاد» از اهم وظایف و مسؤولیتهای علمای امت است. اجتهاد کوشش عالمانه با روش صحیح برای درک مقررات اسلام با استفاده از منابع کتاب، سنت، اجماع و عقل می باشد. درحقیقت، اجتهاد نیروی محرکه اسلام است. ابن سینا، پزشک نامدار و فیلسوف بزرگ اسلامی با روشن بینی خاصی این مسأله را طرح می کند و می گوید:^{۵۰}

«کلیات اسلامی ثابت ولایتغیر و محدود است و اما حوادث و مسائل نامحدود و متغیر و هرزمانی مقتضیات مخصوص خود و مسائل مخصوص خود دارد؛ به همین جهت ضرورت دارد که در هر عصر و زمانی گروهی متخصص و عالم به کلیات اسلامی و عارف به مسائل و پیشامدهای زمان عهده دار اجتهاد و استنباط حکم مسائل جدید از کلیات اسلامی بوده باشند».

قواعد و اصولی در فقه اسلامی وجود دارد که با بکارگیری آن در نظام بهداشتی و پزشکی مشکلات پیچیده را می توان حل کرد. از آنجا که فقه اسلامی برای اداره امور اجتماع وضع شده و کاربرد عینی در جامعه دارد و بهداشت از مهمترین مسائل زندگی مسلمین به شمار می آید، از ویژگی پویایی برخوردار بوده و عنصر زمان و مکان را در حل منطقی مشکلات در نظر می گیرد^{۵۱}. موازین فقهی بویژه در امور بهداشتی راهگشا بوده و کاربرد زیادی دارند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ - پیوند عقل و شرع - فقهای اسلام میان عقل و شرع رابطه ای ناگسستنی قائلند و آن را قاعده ملازمه نامیده و می گویند: «کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع و کلّ ما حکم به الشرع حکم به العقل» - هر چه را عقل دریابد، شرع برطبق آن حکم می کند، و هر چه را شرع حکم می کند، مبنای عقلی دارد. «عقل در فقه اسلامی هم می تواند خود اکتشاف کننده یک قانون باشد و هم می تواند قانونی را تقیید و تحدید کند و یا آن را تعمیم دهد و هم می تواند در استنباط از سایر منابع و مدارک مددکار خوبی به شمار آید. حق دخالت عقل از آنجا پیدا شده که مقررات اسلامی با واقعیت زندگی سروکار دارد، اسلام برای تعلیمات خود رمزهای مجهول لاینحل آسمانی قائل نشده است^{۵۲}.

۲ - قاعده نفی سبیل - قرآن کریم هرگونه سلطه ای از کافران بر مؤمنان را نفی می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»^{۵۳}

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ
وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَكُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۵۴}

فقه‌های اسلام از آیات قرآنی نفی سلطه بیگانه و قاعده‌ای موسوم به «قاعده نفی سیل» را استنباط کرده‌اند، به موجب این قاعده حفظ استقلال سرزمین‌های اسلامی در همه زمین‌ها و تأمین خودکفایی از ضروریات است و این وظیفه‌ای است برگردن هر مسلمان^{۵۵}، حتی اگر روابط سیاسی دول اسلامی با کشورهای خارجی موجب وابستگی مسلمانان شود، این قبیل روابط حرام و عقد قراردادهای باطل خواهد بود^{۵۶}. البته این امر منافاتی با استفاده صحیح و بجا از تجربیات و تمدن و علوم و فنون آنان ندارد، زیرا به حکم آیه^{۱۹} «سوره زمر» مسلمان موظف است که هرگونه سخنی را بشنود و از بهترین آنها پیروی کند.

یکی از مهمترین کاربردهای این قاعده در نظام بهداشتی و پزشکی کشوری باشد. دول استکباری با کوشش در عقب‌نگهداشتن و ناکافی نگهداشتن امکانات بهداشتی در ممالک جهان سوم تلاش می‌کنند با ایجاد گرفتاریها در این زمینه پیوسته بازاری برای مصنوعات دارویی و بهداشتی خود فراهم آورند و از این طریق با ایجاد وابستگی در ملل مستضعف، همواره به نوعی برتری خود را تضمین کنند. متأسفانه این امر موفقیت‌آمیزترین شیوه استعمار بوده است. هنوز، تقریباً در تمام کشورهای در حال رشد، بدون استثنا داروخانه‌ها، بیمارستانها و درمانگاهها، مملو از این گونه داروهای رنگارنگ است. تأسف زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم علاوه بر مصنوعات، فرهنگ و وابستگی علمی و الفای روحیه ضعف و ناتوانی به ملل مستضعف، فراتر از فرآورده‌های دارویی آنها، شخصیت این توده‌های دردمند را خورد می‌کند^{۵۷}.

از گام‌های بسیار مهم و استواری که در پرتو این قاعده باید برداشت تقویت نظام پیشگیری از بیماریها و آموزش بهداشت عمومی و گسترش فرهنگ بهداشتی اسلام در جامعه می‌باشد. تربیت نیروی انسانی لازم در پزشکی و بهداشت به نوعی که حداقل کیفیت آموزشی رعایت شود، طراحان نظامی از خدمت و نیروی انسانی که در آن نظام به پزشک کمتری نیاز باشد، احیای جایگاه پزشک در اسلام و تأکید بر نقش رهبری او در نظام پزشکی، ایجاد مرکز تربیت مدرّسین پزشکی و بهداشت با همکاری اساتید مجرب و تشکیل کارگاههای آموزشی، ایجاد نظام هماهنگ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بهره‌برداری از طب اسلامی و احیای طب سنتی با روشی صحیح و منسجم که حاصل تجربه قرنهای متمادی بشری باشد و ارتباط هماهنگ این همه با نیازهای جامعه و توزیع متعادل آنها که به برنامه‌ریزیهای دقیق و هماهنگ و علمی نیاز دارد، از اموری است که درنیل به این اصل اساسی باید مورد عنایت قرار گیرد.

۳- قاعدهٔ اهم و مهم - در اسلام احکام تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است و اعلام شده است که این مصالح و مفاسد در یک درجه نمی باشند. این جهت سبب شده که باب مخصوصی در فقه اسلامی به نام «باب تزاحم» یا «اهم و مهم» باز شود و کار فقها و کارشناسان اسلامی را در موارد برخورد و اجتماع مصالح و مفاسد گوناگون آسان کند. اسلام خود اجازه داده است که در این گونه موارد علمای امت درجهٔ اهمیت مصلحتها را با توجه به راهنماییهای خود اسلام بسنجند و مصالح مهمتر را بر مصالح کم اهمیتتر ترجیح دهند و خود را از بن بست خارج کنند.^{۵۸}

تشریح بدن میت که در عصر ما برای پیشرفت علم ضروری شناخته شده یکی از مصادیق «باب تزاحم» است. اسلام از سویی احترام بدن مسلمان و تسریع در مراسم تجهیز میت را لازم شمرده است، از طرفی بخشی از تحقیقات و تعلیمات پزشکی در عصر ما متوقف بر تشریح است، دو مصلحت در جهت مخالف یکدیگر قرار گرفته اند. بدیهی است که مصلحت تحقیقات و تعلیمات پزشکی بر مصلحت تسریع تجهیز میت و احترام بدن او ترجیح دارد. در صورت انحصار به میت مسلمان و کافی نبودن غیرمسلمان، و با مقدم داشتن میت ناشناخته بر میت شناخته شده و رعایت بعضی خصوصیات دیگر به حکم قاعده «اهم و مهم» از تشریح بدن میت مسلمان رفع منع می شود.^{۵۹}

۴- مسؤولیت همگانی - در فرهنگ اسلامی انسان مسؤول است و همین مسؤولیت او را به اصل امر به معروف و نهی از منکر رهنمون می سازد «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۶۰}. فقه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر را واجب و ترک آن را معصیت شمرده و اگر اقامهٔ معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند.^{۶۱} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آن را وظیفه ای همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می داند.^{۶۲}

بخشی از اصل امر به معروف و نهی از منکر، اموری را که در ارتباط با سلامت فرد و جامعه است در برمی گیرد. امور بهداشتی، شناسایی عوامل بیماری زا و طرق کنترل آنها و آموختن آنها به آحاد مردم و جلوگیری از انجام آنچه مغایر بهداشت مردم است و آموزش بهداشت جزئی از تکلیفی است که لااقل گروهی از انسانها در برابر مردم دارند تا بدین ترتیب از اتلاف جانهای با ارزش مسلمانان و دیگر انسانها جلوگیری به عمل آورند.

۵- قواعد حاکمه - از قواعدی که به مقررات اسلامی خاصیت انعطاف و تحرک و انطباق

بخشیده و آن را جاوید نگاه می‌دارد وجود یک سلسله قواعد کنترل کننده‌ای است که در متن فقه اسلامی قرار گرفته است. فقها نام بسیار زیبایی بر آنها نهاده و آنها را «قواعد حاکمه» می‌نامند، یعنی قواعدی که بر سراسر احکام و مقررات اسلامی تسلط دارد و بر همه آنها حکومت می‌کند. این قواعد مانند یک عده بازرس عالی احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهد و آنها را کنترل می‌کند. قاعده «حرج» و قاعده «ضرر» از این دسته‌اند. در حقیقت، اسلام برای این قواعد حق «وتو» قائل شده است^{۶۳}.

به موجب قاعده لا ضرر هرگونه ضرر شخصی و عمومی مردود شناخته شده است. بهره‌مندی یک فرد یا گروه هرگز نباید مستلزم زیان دیدن و رنج کشیدن دیگران باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قَضِيَ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ أَهْلِ الْمَدِيْنَةِ فِي مَشَارِبِ الْتَخْلِ أَنَّهُ لَا يَمْتَنَعُ نَفْعَ الشَّيْءِ، وَقَضِيَ بَيْنَ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَنَّهُ لَا يَمْتَنَعُ فَضْلَ مَاءٍ لِيَسْتَمَعَ فَضْلَ كَيْلَاءٍ، فَقَالَ: لَا ضَرَرَ وَلَا ضَرَارَ»^{۶۴}.

در اسلام و مقررات آن، چیزی که به زیان مردم باشد یا راه زیان رساندن به دیگران را بازگذارد وجود ندارد^{۶۵}. با توجه به این اصل، اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد هیچ کس در محیط زندگی آلودگی ایجاد کند و خود در برابر ضروریات بهداشت فردی و محیط اجتماعی بی‌اعتنا باقی بماند، لذا بار عظیمی از دشواریهای جامعه را در تأمین بهداشت عمومی بر می‌دارد. به موجب قاعده لا حرج، اگر در تنگنای مشکلات، اتخاذ شیوه‌های اضطراری برای حفظ جان مسلمانان ضرورت داشته باشد بر اساس رهنمودهای قرآنی، جامعه اسلامی راه خروج از تنگنا را خواهد یافت. بسیج همه امکانات برای افزایش دانش بهداشتی جامعه می‌تواند به صورت حرکتی مطلوب در مواجهه با بسیاری از تنگناها و شرایط اضطراری جامعه باشد. چنان که در آیات کریمه قرآن می‌فرماید:

«... وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِثْلَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ إِثْرَهُمْ...»^{۶۶}.

«... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ...»^{۶۷}.

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ...»^{۶۸}.

«... وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّرْتُمْ إِلَيْهِ...»^{۶۹}.

۶- اصل ولایت فقیه - اسلام به حکومت اسلامی و به عبارت دیگر به اجتماع اسلامی اختیاراتی داده است. این اختیارات در درجه اول مربوط به حکومت شخص پیامبر (ص) و از او به حکومت امام معصوم (ع) و در دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) به هر حکومت شرعی که رهبری

آن به عهده فقیهی عادل و شایسته باشد منتقل می‌شود. این اختیارات دامنه وسیعی دارد، حکومت اسلامی در شرایط جدید و نیازمندیهای تازه می‌تواند مقرراتی را وضع کند که در گذشته موضوعاً منتفی بوده است. اختیارات قوه حاکمه اسلامی، شرط حسن اجرای قوانین آسمانی و حسن تطبیق با مقتضیات زمان و حسن تنظیم برنامه‌های مخصوص هر دوره است.^{۷۰}

نتیجه‌گیری

از بررسی حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اسلام در موضوع بهداشت، خود دارای راه و روش مستقلی است که ریشه در عدالت اجتماعی دارد و همه انسانها در بهره‌برداری از ابعاد سلامت و امکانات بهداشتی و پزشکی مساوی‌اند. اشاعه فرهنگ بهداشتی اسلام و احیای نقش روحانیت پزشکی در جامعه که منجر به حفظ سلامت مردم می‌گردد در ارتقای سطح بهداشت تأثیر اساسی داشته و کلید وصول به عدالت اجتماعی در بعد بهداشتی خواهد بود. بدین منظور تبیین محققانه دیدگاههای اسلامی و اشاعه آن به صورت فرهنگ عمومی جامعه در این مورد ضروری است و به عنوان مقدمه‌ای بر آن تدوین «دایرة المعارف طب و بهداشت اسلامی»، که صرفاً از قرآن کریم و مکتب اهل بیت عصمت (ع) و منابع اصیل اسلامی استخراج شود، لازم به نظر می‌رسد. انجام این مهم در گرو کوشش مداوم و هماهنگ و همکاری نزدیک محققان، کارشناسان و متخصصان علوم اسلامی و علوم پزشکی، بهداشتی و تغذیه خواهد بود.

یادداشتها و مآخذ

1. World Health Organisation, 1947; GREENE, H.W. and Simons- Morton, B.G., 1984. *Introduction to Health Education*. New York: Macmillan Publishing Company, p7.
- ۲ - صادقی حسن‌آبادی، علی، کلیات بهداشت عمومی، چاپ سوم، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵، ص ۳۳.
3. HOYMAN, H., 1975. Rethinking on Ecologic System Model of Man's Health, Disease, Aging, Death". *Journal of School of Health*, 45:509.
4. GREEN, H. W. and Simons-Morton, B.C., 1984. *Introduction to Health Education*. London: Collier Mac Millan Publishers, p9.
- ۵ - جعفری، سید حسین محمد، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللہی. اخلاق، سیاست و حکومت از دیدگاه نهج البلاغه. نیویورک؛ بنیاد مستضعفان، ۱۳۶۱، ص ۱۷؛ واریک رام ترجمه محمد رضا غفاری. «رهبری روحانی در بهداشت»، مجله بهداشت جهان، سال چهارم، شماره دوم، ۱۳۶۷.

- ۶- جعفری، ترجمه آیت الهی، اخلاق، سیاست و حکومت از دیدگاه نهج البلاغه، ۱۳۶۱، ۱۷-۱۸.
- ۷- محدث قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، فقره ای از دعای کمیل
- ۸- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۲۶، ص ۹۲
- ۹- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین، گلستان. باب سوم، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹، ص ۹۵-۹۶
- ۱۰- اعراف/ ۱۵۷
- ۱۱- بقره/ ۲۲۲
- ۱۲- پاینده، ابوالقاسم (مترجم و فراهم آورنده)، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶، شماره های ۳۱۶، ۶۱۲، ۱۱۸۲، ۷۰۳، ۱۳۹۸، ۶۰۲، ۲۳۵۷؛ دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۹۹-۱۳۰؛ حرانی، ابومحمدحسن بن علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ص ۱۴ و ۴۴۲؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱؛ محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۴، مکارم الاخلاق للطبرسی، ص ۴۰-۴۹، ج ۱؛ علامه کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۴؛ تطبیقات کریمی، و فصول المهمه ص ۱۲۲. روایات متعدد از معصومین (ع)
- ۱۳- قرآن کریم، سوره مدثر، آیه ۴.
- ۱۴- آیت الهی، سیدمحمد تقی، «تفسیر از دیدگاه اسلام»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره اول، ۱۳۶۷، ص ۸۷-۶۹
- ۱۵- مجتهد زنجانی، سیدابوالفضل، «گوشه ای از اخلاق محمد(ص)»، محمدخاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۳۹۱
- ۱۶- آئین جاویدان، ص ۳۷۵؛ و پاک نژاد، سیدرضا. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، ص ۳۱۶-۳۱۷.
- ۱۷- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، حدیث ۲۸۰۳
- ۱۸- آندی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۶۳، حدیث ۱۰۵۰
- ۱۹- کتب ادعیه صحیفه علویه، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی؛ صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای و جواد فاضل و صدرالدین بلاغی؛ محدث قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان؛ وابن طاووس، ابی القاسم رضی الدین علی بن موسی بن محمد، مهج الدعوات و منهج العبادات.
- ۲۰- همان مأخذ
- ۲۱- مائده/ ۳۲
- ۲۲- نجفی (صاحب جواهر)، شیخ محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. کتاب اطعمه و اشربه، ج ۳۶، ص ۲۴۰
- ۲۳- حر عاملی، شیخ محمدحسن، وسائل الشیعه، ج ۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹
- ۲۴- نیلفروشان، محمدعلی؛ ضرابی، جلیل و میرفتاحی، محمدباقر و همکاران. بهداشت. تهران: معاونت امور بهداشتی وزارت بهداری، ۱۳۶۳، ص ۶.
- ۲۵- مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ترجمه ذبیح الله منصور: مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر

صادق (ع)، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۴۴۷

۲۶- فصول المهمه

۲۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول سوم، بیست و نهم، چهل و سوم و یکصدم .

۲۸- ابویکر خوارزمی، هداية المتعلمين في الطب؛ ابوعلی سینا: قانون و نظامی عروضی سمرقندی.

چهارمقاله.

۲۹- مراجعه شود به: علامه مجلسی. بحارالانوار، ج ۱۴ (السماء والعالم رسالة طب النبى)؛ الذهبی، حافظ ابی عبدالله محتدبن احمد، الطب النبوی؛ رسالة طب الصادق(ع) دردعائم الاسلام؛ فصول المهمه؛ كشف الاخطار؛ خصال، ج ۱، ص ۹۲ و ۲۲۹، ج ۶۷؛ بحارالانوار؛ وابن جمهور؛ ابومحمد حسن بن جمهور؛ رساله الذهبیه (طب الرضا(ع))

۳۰- شیخ صدوق، اعتقادات، ترجمه سیدمحمد علی بن سیدمحمدالحسنی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ

سوم، ۱۳۷۹ هـ. ق، ص ۱۴۲-۱۴۴

۳۱- مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ ترجمه ذبیح الله منصوری، مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر

صادق (ع)، ص ۴۵۵ - ۴۶۱

۳۲- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۶۷، ص ۱۱۱۶

۳۳- انبیاء/ ۹- ۳۴- مؤمن/ ۴۳- ۳۵- اعراف/ ۳۱

۳۶- غافر/ ۲۸- ۳۷- انعام/ ۱۴۱

۳۸- شعراء/ ۱۵۱- ۳۹- اسرى/ ۲۷

۴۰- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بولتن بهداشتی شماره ۱ درمورد بیماری ایدز، ۱۳۶۶

۴۱- قرآن کریم، سوره روم، آیه ۳۰

۴۲- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲

۴۳- صبوراردوبادی، احمد، بهداشت اسلامی، آذربایجان شرقی، اداره آموزش بهداشت سازمان منطقه ای

بهداری استان، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ج ۱

۴۴- بقره/ ۱۹۵

۴۵- مؤمنون/ ۳

۴۶- پاک نژاد، سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۴

۴۷- امام خمینی، نحریرالوسله، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۶۵

۴۸- علامه کلینی، محمدبن یعقوب. فروع کافی، ج ۵

۴۹- حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۳۳۱-۳۳۲

۵۰- ابن سینا، الیهات شفاء، بخش آخر.

۵۱- امام خمینی، پیام به روحانیت و حوزه های علمیه، ۱۳۶۷/۱۲/۳

۵۲- مطهری، مرتضی، «ختم نبوت»، محمدخاتم پیامبران، ج ۱، ص ۵۶۰-۵۶۱

- ۵۳ - نساء/ ۱۴۷ - ۵۴ - مائده/ ۶۳
- ۵۵ - مجتهدلاری، علامه سیدعبدالحسین، قانون در اتحاد دولت و ملت، شیراز، مطبعه محمدی ۱۳۲۶ هـ. ق، ص ۱۲-۱۵ و هدایت الطالبین، شیراز، مطبعه محمدی، ۱۳۴۲ هـ. ق، ص ۶۲؛ و آیت اللهی، سیدمحمدتقی؛ ولایت فقیه، زیربنای فکری مشروطه مشروعه. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۴۳ و ۱۵۰
- ۵۶ - امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۶
- ۵۷ - نیلفروشان، محمدعلی؛ ضرابی، جلیل و میرفتاحی، محمدباقر و همکاران. بهداشت، ص ۸-۹.
- ۵۸ - مطهری، مرتضی، «ختم نبوت»، محمدخاتم پیامبران، ج ۱، ص ۵۶۴-۵۶۵
- ۵۹ - رجوع شود به یادداشت شماره ۵۸ و امام خمینی. توضیح المسائل، مسائل ۲۸۸۶-۲۸۸۷
- ۶۰ - قرآن کریم. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴
- ۶۱ - امام خمینی، توضیح المسائل، مسائل ۲۷۸۶-۲۷۸۷
- ۶۲ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل هشتم.
- ۶۳ - مطهری، مرتضی، «ختم نبوت»، محمدخاتم پیامبران، ج ۱، ص ۵۶۶
- ۶۴ - حرعاملی، شیخ محمدحسن. وسائل الشیعه، ج ۱۷؛ کتاب احیاء موات، باب ۷، ح ۲، ص ۳۳۳
- ۶۵ - بهشتی، سید محمد؛ باهنر، محمدجواد و گلزاده، علی، شناخت اسلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۵۷
- ۶۶ - حج/ ۷۸ - بقره/ ۱۸۵ - ۶۸ - بقره/ ۱۷۳
- ۶۹ - انعام/ ۱۱۹
- ۷۰ - رجوع شود به: آیت الله نائینی، شیخ محمدحسین؛ تنبیه الاقمه و تنزیه المله، ص ۹۷-۱۰۲؛ علامه طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ «ولایت و زعامت»، مرجعیت و روحانیت، چاپ دوم، ص ۸۲-۸۴، مجتهدلاری، علامه سیدعبدالحسین، تعلیقات المکاسب، ج ۲ و قانون در اتحاد دولت و ملت و قانون مشروطه مشروعه؛ و امام خمینی. حکومت اسلامی.

رَبِّ عَلَّامِي إِلَىٰ مِظَانِكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ